

درباره تاریخ کاریزهای شهرمان در روزگاری که

مشکل تامین آب این دشت خشک را حل می کردند اما دیگر جانی ندارند

حیات وممات قنات‌ها درمشهد قدیم

سیده‌نقیصه زینبی ا تابستان از راه نرسیده، در مشهد حرف از جیره‌بندی آب بود و حالا هم که ده روزی از تیرماه گذشته است، همچنان زمزمه‌هایی مثل «گرم‌ترین تابستان، با بی‌آب‌ترین فصل مشهد در نیم‌قرن گذشته، و نظیر این‌ها به گوش می‌رسد. عمق چاه‌های آب شهر به سیصد متر رسیده و آب در مشهد سال ۱۴۰۲ خورشیدی، تبدیل به یک بحران شده است، آن چنان که اگر راهکاری اندیشیده نشود، همچنان بر همین مدار خواهیم بود و در آینده روزهای سختی را تجربه خواهیم کرد. اسناد تاریخی نشان می‌دهد دشت مشهد از سده‌های دور خشک بوده و راستش اصلا نباید تا این حد، گسترش پیدا می‌کرده است. اگر هم تا الان دوام آورده، به یمن وجود مبارک امام‌رضا^(ع) بوده است». این جمله شعاری نیست، چون وجود امام‌هشتم^(ع) سبب شده است خیران بسیاری در طول تاریخ برای تامین آب مصرفی زائر و مجاور، دست به وقف‌هایی بزنند که ساخت قنات‌ها، یکی از نمونه‌های آن است؛ قنات‌هایی که شریان زندگی درازمدت مشهد بودند و حالا سال‌هاست نفسی افتاده به پهلو دارند. دردناک‌تر آنکه بدانید همچنان که هر روز در شهر قدم می‌زنید، پائین‌ا را روی قنات‌های مرده می‌گذارید؛ مشهد امروز پس از بتن‌ریزی و مسطح کردن شهر، روی همان قنات‌های قدیمی پا گرفته و پیش رفته است. در سطرهای بعد قصه قنات‌ها، این خون مرده در رگ مشهد، را بخوانید.

- وابستگی حیات مشهد به قنات‌ها

حیات مشهد از ابتدای پیدایش آن به قنات وابسته بود. کاریزهای سنتی که با زمین در صلح بودند، آب مازاد آن را با شیب ملایم به سطح می‌آوردند تا زندگی در شهر جریان پیدا کند اما این سخاوت، برای بشر معاصر کافی نبود، از وقتی برق و تلمبه‌برقی و چاه در سال ۱۳۲۴ خورشیدی با هزینه کمتر و راحتی بیشتر، توانست آب را بی‌محبا از عمق زمین به سطح آن پمپاژ کند، دیگر کسی بانی حفر و لای‌روبی کاریزها نشد. قنات‌ها با وجود بی‌مهری شهر تادهه ۵۰خورشیدی به حیات‌خودشان ادامه دادند، اما پس از آن دیگر از جوش‌وخروش افتادند. ساخت قنات که تا آن زمان یک سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی و درآمدزا محسوب می‌شد، دیگر برای صاحبان آن‌به‌صرفه‌نیود. سایه‌چاه‌وسدهای صنعتی، بر فناوری ساخت قنات‌های هزارساله افتاد و بر آن چیره شد. اکنون که ما خیلی راحت ته‌مانده شیره جان دشت مشهد را به لوله‌های پرپیچ‌وتاب شهر می‌ریزیم و آن را به فاضلاب تبدیل می‌کنیم، دیگر خبری از رگ‌های حیات سنتی آن نیست و بسیاری از این قنات‌ها، متروک شده‌اند.

- چه شد که مشهد، شهر قنات‌ها شد؟

اگر به نقشه‌های محدوده توس، پیش از بازگفتن مشهد نگاهی بیندازیم، خواهیم‌دیدنوغان وسناباد وحرم امام‌رضا^(ع)سه‌ضلعی هستند که بافاصله کم از یکدیگر قرار گرفته‌اند. شهر نوغان (مرکز ولایت توس در آن زمان) و روستای سناباد(محدوده محله سراب کنونی) که بقعه امام‌هشتم^(ع) نیز در اراضی آن قرار داشته است، با یک قنات آباد بوده‌اند.

بعدها غارت‌های پی‌ریبی اقوام مهاجم، ناامنی و خرابی توس، افزایش جمعیت مهاجر و سرآزیر شدن آن به‌سوی حرم مطهر، باعث شد شهری در اطراف بقعه امام‌رضا^(ع) شکل بگیرد که از همان نخست، دور از آب بود. با بزرگ‌تر شدن حلقه ساخت‌وسازهای اطراف حرم، نوغان و سناباد هم در آن حل شدند تا مشهد تبدیل به یک شهر شود؛ شهری که با تنها رود بزرگش (کشف‌رود که در پایین‌دست آن قرار گرفته بود) نیز ۱۰ کیلومتر فاصله داشت و انتقال آب آن با تجهیزات آن زمان، ممکن نبود. در کتاب «نگاهی به تاریخ، فرهنگ ومفاخر مشهد» آمده‌است: «فاصله‌ده کیلومتری بستر کشف‌رود بامقر شهر مشهدو اختلاف ارتفاع تقریبادیست‌متری این دو، دسترسی آسان اراضی واهالی شهر را به این رودخانه دشوار کرده بود.

از همان آغاز پیدایش، این شهر باقناتی که از چندفرسنگی غرب آن شروع می‌شده، آبیاری می‌شدند تا مشهد تبدیل به قنات شهر شود». گواه این گفته‌هم، سابقه‌طولانی حضور قنات درجغرافیای مشهداست، آن‌چنان که روایت کرده‌اند پیکر مطهر امام‌رضا^(ع) را با آب قنات سناباد غسل داده‌اند، البته ناگفته‌نماند که درمیان ورق‌های کتاب «نگاهی به‌جغرافیای تاریخی مشهد»، قنات سناباد نخستین منبع آبی بقعه و سپس شهر امام‌رضا^(ع) ذکر شده است. دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی «درباره نقش قنات در شکل‌گیری مشهد می‌گوید: «قنات صرفاً یک پدیده روستایی و کشاورزی نیست، بلکه نقش بنیادی در تأسیس و گسترش شهرهایی مانند ری، نیشابور، یزد، کاشان، سبزوار، کاشمر، مشهد، فردوس، گناباد، تهران و... داشته است. اگر قنات نبود، این شهرها هم نبود.

- احیای کاریزها در قرن چهارم تا هشتم

براساس شواهد، با گسترش مشهد و افزایش جمعیتش، در قرن چهارم به موضوع تأمین آب‌شهر هم توجهو کاریزهای آن احیامی‌شود. نخستین آن‌ها هم کاریز سناباد است که احتمالاً در آن موقع، ویران شده بود. ماجرا از این قرار است که در سال‌های پایانی حکومت غزنویان، بوالحسن عراقی (یکی اضااحب‌منصبان حکومت)وصیت می‌کند پیکرش را از غزنه به مشهد بیاورند و افزون بر ساخت مسجد و کاروان‌سرا، قنات اصلی شهر را هم دوباره جاری

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت(قسمت هشتادویکم)

«گنبدسبز» و اسرار نهفته در آن (بخش نخست)

مرضیه ترابی



درباره‌اش حرف‌وحديث بسیار است؛ تاریخ شفاهی، یعنی روایت اهالی کهنسال، از پس نقل تاریخ «گنبدسبز»، برنمی‌آید؛ چون روایات آن قدر متناقض و درهم‌برهم هستند که نمی‌شود به آن‌ها اعتماد کرد. بیشتر راویان تاریخ شفاهی گنبدسبز، از سن بنا خبر ندارند. تنها روایت مورداعتنای آن‌ها، داستان توجه‌عراقی مانند شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی به مزار گنبدسبز است. اما مزار چه کسی؟ راستی در زیر گنبد چشم‌نوازی که روزگاری همسایه گورستان «میرهاو» بوده است، کدامیک از مشاهیر مدفون است؟ این موضوعی است که خیلی‌ها از آن بی‌خبرند و «از ظن خود» قصه‌هایی را نقل می‌کنند و به‌اطرافیان‌هن‌چندان آشنا با تاریخ و ظرایف آن، تحویل می‌دهند. در مشهدیات امروز و چند قسمت بعدی آن، می‌خواهم برایتان درباره گنبدسبز و اسرار ناگفته و نهفته در آن صحبت کنم؛ بنایی که پیشینه آن ظاهراً به عهد صفویه بازمی‌گردد و بر این اساس، باید دست کم قدمتی چهارصدساله داشته باشد.

- همای فرد مدفون در گنبدسبز

- گزینه نخست: شیخ‌محمدمؤمن دستجردی

مهم‌ترین سؤال درباره این بنای تاریخی، در اطراف فرد مدفون در آن دور می‌زند. با وجود آنکه اسکن اشمه ایکس، در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، نشان داد که در زیربنای گنبدسبز، دو نفر کنار یکدیگر مدفون هستند، بازهم برخی مورخان‌هن‌چندان معتبر، از سه نفر به‌عنوان صاحبان منفرد این مقبره‌نام می‌برند که همه‌آن‌هایک‌وجه

کنند. گزارش‌های تاریخی همچنین می‌گویند سه قرن پس از ابو الحسن عراقی، یعنی در قرن‌های هفتم و هشتم، گویا دوباره به‌دلیل رسیدگی نشدن کافی و تعمیر نشدن به‌موقع، قنات‌های مشهد که مسدود شده بودند، به دست سر به‌داران جانی دوباره می‌گیرند تا این شهر همچنان به زیست خود با استفاده از کاریزها ادامه دهد.

- چشمه‌گیلاس به کمک قنات‌های شهر می‌آید

با تکیه زدن تیموری‌ها بر مسند حکومت، یک اتفاق مهم برای تأمین آب مشهد می‌افتد و آن، جاری شدن یک چشمه پر جوش‌وخروش در رگ‌های مشهد است. درواقع ارض اقدس در دوره تیموری‌ها به یک شهر درجه‌یک تبدیل شده بود، بنابراین حکمرانان شهر باید فکری به حال بی‌آبی و جمعیت روبه‌فزونی شهر می‌کردند. در این زمان امیرعلی شیر نوایی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، حکمران خراسان، همت کرده، با هزینه شخصی خودش کانالی چندکیلومتری حفر می‌کند تا آب چشمه گلسب را از غرب شهر تا بران توس به مشهد بیاورد.

چشمه گلسب یا همان چشمه‌گیلاس خودمان که اکنون جان محتضرش با پمپ‌ها نمی‌دارد، آن زمان چشمه‌ای پرآب و گوارا بود که فردوسی تصمیم گرفته بود با صله‌ای که گمان می‌کرد بابت سرودن شاهنامه از سلطان محمود می‌گیرد، آب آن را به توس بیاورد.

آب چشمه‌گیلاس به مشهد آمد تا نجات‌دهنده و توسعه‌دهنده آن باشد. شاه‌عباس صفوی این آب را به میان تنها خیابان شهر که خودش آن را ساخته بود(بالاخیابان) آورد. وجود این نهر، مسئله آب مشهد را برای سال‌های پیش‌روی آن تاحدودی حل کرد. نادرشاه حکمران دیگری بود که دستور داد در یک تنگنای آبی دیگر برای شهر، آب بندگلسنار را به حرم رضوی بیاورند و سرریز آن به محلات پایین‌دست که بی‌آبی بود، برود، البته مشهد روبه‌توسعه به این راحتی از معضل کمبود آب رهایی پیدا نمی‌کند. شمار زائران و مجاوران شهر همیشه در یک شیب صعودی قرار داشته و این مسئله، بر بحران آب آن می‌افزوده است. کمبود آب در دوره پهلوی اول نیز به یک مشکل اساسی در شهر مشهد تبدیل می‌شود، آن چنان که محمدولی اسدی، تولیت و استاندار خراسان، آب نهر گناباد را به مشهد می‌رساند تا به «مد قنات‌ها بیاید و دهان به تف‌نخسته مشهد را سیراب کند».

- زمانی که وقف قنات، مرسوم بوده است

در طول قرن‌ها هر حکمرانی از هر دودمانی به مشهد می‌آمد، نخست فکری به حال آب شهر می‌کرد تا با سیراب کردن لب خشک دشت مشهد، خودی نشان بدهد اما از آنجا که هزینه حفر قنات آن قدر سنگین بود که ثوابش تنها نصیب افراد ثروتمند و صاحب مال می‌شد، تأسیس قنات و مسجد، یکی از کارهای عمرانی بود که حکمرانان بر اساس آن، عملکرد خود را به نمایش می‌گذاشتند.

البته به‌همین دلیل، ردپای وقف‌را می‌توان در سرگذشت قنات‌های مشهد نیز دید. بیشتر خیران این سرمایه‌آقتصادی را وقف آستان‌قدس می‌کردند تا ماندگار شود. در نخستین وقف‌های آب در مشهد، مهدی‌قلی‌بیک که حمام معروفش در کنار بازار فرش هنوز پابرجاست، یک قنات مهم با نام خودش می‌سازد و وقف حمای می‌کند که درآمدش به مصرف شربت‌خانه حضرت می‌رسید و مازادش نیز راهی مسجد جامع گوهرشاد می‌شد. پس از او، شاه‌عباس صفوی نیز چند رشته قنات می‌سازد و آن را وقف نهر خیابان می‌کند. همچنین پلداش بیک در سال ۱۵۸ هجری قمری دو قنات خدربیک و خلف‌بیک را برای آب‌رسانی به محله سرحوشان، وقف می‌کند و قنات‌های محراب‌خان، عشرت‌خان، دستجرد، سناباد و چاه‌نو برابر طومار علیشاهی، در عصر نادری دایر بودند. همین چند مثال کافی

- شرحی مستند بر نقد استاد عطاردی

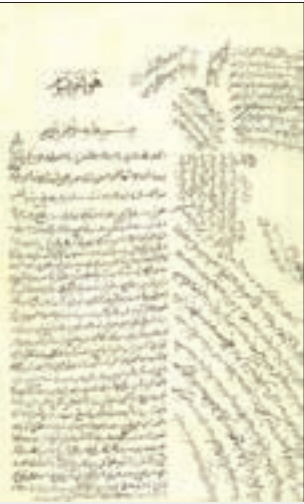
زنده‌یاد استاد عزیزا... عطاردی، خراسان‌پژوه نامدار معاصر، در جلد نخست کتاب ارزشمند «فرهنگ‌خراسان»، آنچه ولی‌قلی شاملو در «قصص الخاقانی» آورده است، این‌گونه به نقد می‌کشد: «مؤلف گوید: ترجمه حال شیخ محمد مؤمن دستجردی در چاپ کتاب قصص الخاقانی، ناقص است و ظاهراً در نسخه خطی آن، افتادگی‌هایی وجود دارد. مؤلف قصص الخاقانی، شیخ مؤمن را اهل سمرقند می‌داند، ولی معلوم نیست مقصودش کدام دستجرد بوده‌است. در قرون قبل در ناحیه طوس یک آبادی به نام دستجرد بوده، ولی اکنون نام و نشانی از آن نیست. در قصص الخاقانی تصریح می‌کند که او در بقعه مشهور به پای چنار، رحل اقامت افکنده بود و در آنجا زندگی می‌کرد و مریدان را ارشاد می‌نمود و مجلس داشت. معلوم نیست بقعه مشهور به پای چنار در کجای مشهد مقدس بوده و در آن بقعه چه کسی دفن بوده و چه خصوصیت‌هایی داشته که صوفیان و عارفانی مانند شیخ مؤمن در آنجا اقامت داشته‌اند». ایراد استاد عطاردی بر نسخه‌انتشار یافته توسط حسن سادات ناصری وارد است. این نسخه در بخش مربوط به شیخ مؤمن، کامل نیست. اما ظاهراً نسخه‌ای خطی از قصص الخاقانی (با شماره ۸۹۴۳) مورد اشاره مورخ صفوی را با لقب دارد که مبحث مربوط به شیخ مؤمن، در آن کامل آورده شده است. طبق روایت این نسخه و براساس گزارش مهدی قربانی از آن، در کتاب مختصر «گنبدسبز مشهد»، «شیخ محمد مؤمن در سنه ۶۱۳ قمری دعوت حق را اجابت گفت و مریدانش، آن مستغرق بحر رحمت را به



این تصویر را یک سیاح خارجی در دوره قاجار کشیده و گفته است، این تصویر کلی اغلب روستاهای ایران است که همیشه در کنار قنات‌ها ساخته می‌شوند.



سند احداث مخزن آب قنات مسجد گوهرشاد که نشان از تأمین آب مشهد به وسیله قنات‌ها دارد و گواهی است بر موقوفاتی به نام احداث قنات و تأمین آب حرم مطهر،



وصیت نامه حاجی حسن غایی در باره وقف افلاک‌ش که در آن‌ها یک رشته قنات نیز وجود دارد

است که بداینم قنات‌ها بیشتر وقف عام می‌شدند تا مردم عادی از آن‌ها بهره‌مند شوند.

- تعداد قنات‌های مشهد در قرن ۱۴

در کتاب مطلع الشمس (نوشته‌شده به سال ۱۳۰۰ قمری)، قنات سناباد جایگاه خودش را همچنان حفظ کرده است اما به‌جز این قنات قدیمی، چند قنات قلیچ‌خانی، ممیش‌خانی، محمدولی‌خان سرادر، شیخ مؤمن کاظمینی، رکن‌آباد و قنات سلسبیل در محله سراب جاری بوده‌اند. آب چشمه‌گیلاس و بندگلسنار هم از خیابان علیا(بالاخیابان) وارد شهر می‌شده است. انگلیسی‌ها در گزارشی که از اواخر دوره قاجار سیاهه شده است، تعداد قنات‌های آباد مشهد را دوازده حلقه شمرده‌اند که شامل قنات‌های مؤتمن السلطنه، آصف‌الدوله، ممیش‌خان ومیرزا در بالاخیابان، قنات سناباد در سراب، قنات‌های رکن‌آباد، شیخ، سلسبیل ومسجد در ارگ، قنات گل‌خطمی و چهنو، حدفاصل ارگ و عیدگاه و قنات حاجی درویش در نوغان، می‌شده است.

احتمالاً جز این‌ها، تعدادی از قنات‌های مشهد خشک شده‌اند و برخی قنات‌ها مصرف کشاورزی داشته‌اند که نامشان در این سیاهه نیست. در همین زمان، کتاب مشهد در آغاز قرن ۱۴ تعداد قنات‌های شهر را در دوره پهلوی اول، ۲۲ رشته بیان می‌کند که خازنده رشته آن، دایر و وشش مرحوم دیگری بی‌آب بوده‌است. نام قنات‌ها طبق این کتاب چنین است: «رکن‌آباد، قنات شیخ مؤمن، قنات سلسبیل، قنات سناباد، قنات آصف‌الدوله، آب

موجب وصیت، در بقعه قریه دستجرد که از جمله بناهای مرحوم مزبور بود، دفن نمودند، باتوجه به تاریخ وفات ولی‌قلی‌بیک، یعنی سال ۱۰۸۵ قمری، باید او را از معاصران شیخ محمد مؤمن دستجردی بدانیم و این، در رد یا پذیرش روایت تاریخی «قصص الخاقانی» حتما مؤثر است. درباره واژه «دستجرد»، البته نقد روان‌شاد، استاد عزیزا... عطاردی، وارد نیست، زیرا اولاً، به گواهی کتاب «جغرافیای حافظ ابرو» که شهاب‌الدین عبدا... خوافی (درگذشته به شوال سال ۸۳۳ قمری) به رشته تحریر درآورده، «دستجرد» یکی از محلات شهر مشهد بوده است. «این مشهد مقدس [را] چند محله است: محله کاریز، محله سناباد، محله چاه‌نو، محله دستجرد، محله منصوریه، محله ابوبکرآباد، محله پس‌باره» و ممکن است مقصود از محله دستجرد، بخشی از شهر مشهد باشد که به‌دلیل اتصال آن به اراضی قریه دستجرد، با این‌نام شناخته می‌شد. یادمان باشد که در دوره تیموری، زمانی که حافظ ابرو کتابش را می‌نوشت، هنوز مشهد باروی درست‌وحسابی نداشت تا محلات از فضا‌های اطراف شهر کاملاً تفکیک شوند. ثانیاً، زنده‌یاد عبدالحمید مولوی، خراسان‌پژوه معاصر که به‌دلیل دارا بودن مسئولیت در آستان قدس، به اسناد ذی‌قیمت این نهاد مقدس دسترسی داشت، در شماره ۲۴ مجله خاندانی «نامه آستان قدس» (سال ۱۳۴۵)،

ضمن شرح موقوفات مدرسه علمیه نواب در بالاخیابان، اراضی دستجرد را یکی از این موقوفه‌ها معرفی می‌کند و می‌نویسد: «ثلث مزرع دستجرد، واقع در خارج ضلع جنوبی و باره و حصار شهر مشهد،

گنبد سبز در دوره قاجار عکس: جیانوزی

